

فصلنامه علمی-پژوهشی

شیعه‌شناسی

صفحات ۲۱۵ تا ۲۵۰

سال نهم / شماره ۳۴ / تابستان ۱۳۹۰

A Quarterly for
Shi'ite Studies
Vol. 9/ No.2
Summer 2011

امام رضا^{علیه السلام} و الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب:

مسئله پلورالیسم دینی «هنجاري» در فرهنگ رضوی

مهدی گنجور / دکتر محمد بیدهندی

مربی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان / استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده

یکی از مباحث مهم اخلاق کاربردی - که امروزه جامعه اسلامی را به چالش فراخوانده - مسئله چگونگی رفتار و ارتباط با پیروان «دیگر ادیان» است. هرچند این مسئله در گذشته نیز وجود داشته، اما با طرح تئوری حکومت اسلامی و دیگر مباحث نوین کلامی، از جهت بررسی مبانی نظری و کاربردی، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است؛ از این‌رو، نگارنده در نوشتار حاضر، با توجه به نیاز علمی جامعه امروزی به مباحث اخلاقی و بحران معیار در رفتار با غیرمسلمانان، در صدد استنباط و ارائه الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان در پرتو سیره رضوی^{علیه السلام} است. به این منظور، ابتدا به طرح دقیق مسئله پرداخته، برای حلّ مسئله، تصویری از هویت و چیستی «دین» در فرهنگ رضوی ارائه می‌دهد. در ادامه بحث، پلورالیسم دینی «هنجاري» به عنوان فرضیه و پاسخی به مسئله رفتار با پیروان دیگر ادیان از دیدگاه امام رضا^{علیه السلام} مورد تحلیل قرار می‌گیرد. پایه‌گذاری و ترویج «گفت‌وگوی ادیان» توسط حضرت^{علیه السلام} از دیگر مباحث مهم این پژوهش است.

غایت نوشتار حاضر، در استنباط و ارائه شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان در پرتو سیره رضوی تحقیق می‌یابد. در این مقال، ادعا و اثبات شده است که از دیدگاه حضرت رضا^{علیه السلام}، مناسیات ما با غیرمسلمانان باید مبتنی بر اخلاق انسانی، احترام و مهورزی، مدارا و تسامح دینی، آزادی فکر و بیان، مخاطب‌شناسی و آشنایی با زبان و متون مقدس دیگر ادیان و همزیستی مسالمت‌آمیز باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی رفتار ارتباطی، پلورالیسم هنجاری، دیگر ادیان، سیره رضوی، تسامح، همزیستی مسالمت‌آمیز.

۱. مقدمه

یکی از اساسی‌ترین مباحث دین‌پژوهی نوین در حیطه اخلاق کاربردی، مسئله «دیگر ادیان» است که فیلسوفان دین و اخلاق‌پژوهان معاصر، آن را به عنوان «پلورالیسم یا کثرت‌گرایی دینی» طرح می‌کنند.

مسئله «پلورالیسم دینی» در ساده‌ترین تعبیر، چنین است: من در جایگاه مسلمانی شیعه، در حقانیت، هدایت‌بخشی و سعادت‌آوری دین خود تردید ندارم؛ اما در خصوص دیگر ادیان چه می‌توان گفت؟

پر واضح است که نظر به نیاز علمی و معرفتی موجود و یافتن معیار اخلاقی برای تعامل پیروان ادیان با یکدیگر، ارائه الگویی عملی و مبتنی بر مشترکات ادیان و اخلاق اصیل دینی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد داشت؛ چه اینکه روابط پیروان ادیان با یکدیگر، گاهی تا حد تخاصم و تهاجم پیش رفته، تا جایی که تاریخ ادیان و مذاهب، سرشار از جنگ‌های خونین و نزاع‌های ایدئولوژیک بین معتقدان فرق و مذاهب مختلف است، که جنگ‌های صلیبی، نمونه‌ای آشکار از این‌گونه کشمکش‌هاست.

از سویی، نظرها و دیدگاه‌های افراطی و تفریطی سنت‌گرایان و دگراندیشان در هر دین و مکتب، در افزایش بحران و آشفتگی آرا، بی‌تأثیر نبوده، نیاز به پژوهش و ضرورت حل[ّ] این مسئله را دو چندان می‌نماید.

از این‌رو، نوشتار حاضر در صدد حل[ّ] مسئله مذکور برآمده، به بررسی سیره و دیدگاه نظری و عملی حضرت رضا^{علیه السلام} در ارائه الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب می‌پردازد؛ اما از آنجا که حل[ّ] موفق مسئله، مسبوق به تشخیص دقیق مسئله است و از سویی این مبحث با وجود ظاهر بسیط و ساده‌اش، بسیار مبهم و پیچیده است، پیش از ورود به اصل مطلب، باید به رفع ابهام از آن پرداخت.

مسئله «دیگر ادیان» مرکب از مسائل مختلف است: نخست اینکه مراد از ادیان دیگر چیست؟ این مسئله بر حسب تعریف ما از دین و هدف آن، قابل صورت‌بندی به شکل‌های مختلف است: اگر هویت دینی را در «رستگاری و نجات‌بخشی» پیروانش بدانیم، پرسش از نجات‌بخشی سایر ادیان مطرح می‌شود و اگر هویت آن را حقانیت و «بیان حقیقت» بدانیم، به مسئله حقانیت دیگر ادیان می‌رسیم و به این ترتیب صورت‌های مختلفی از مسئله حاصل می‌شود.

مسئله دوم – که اساساً در حیطه اخلاق کاربردی، قابل طرح است – آنکه: تکلیف اخلاقی ما مسلمانان در قبال پیروان سایر ادیان چیست؟ آیا از دیدگاه اسلام و به طور خاص از نگاه امام رضا^ع آنها شایسته احترام‌اند؟ رفتار ارتباطی ما با آنها باید بر مبنای چه الگوی اخلاقی باشد؟ سنت و سیره رضوی^ع در برخورد با سران و پیروان ادیان چگونه است؟ آیا ایشان قائل به مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب و طرفداران دیگر ادیان و مذاهب است یا خیر؟ چه شاخصه‌هایی می‌توان از فرهنگ رضوی، به عنوان الگوی رفتاری با غیرمسلمانان استنباط و ارائه نمود؟

پاسخ به این پرسش‌ها، با تکیه بر آرا و سیره رفتاری حضرت رضا^ع غایت نوشتار حاضر است که علاوه بر حلّ برخی مسائل نظری این حوزه، در عالم خارج به خصوص در صحنه سیاست خارجی، کاربرد و تأثیر عملی خواهد داشت و به پویایی و کارآمدی روابط ما در عرصه حقوق بین‌الملل و برقراری روابط و دیپلماسی موفق و اخلاقی با دول و ملل غیرمسلمان کمک خواهد کرد.

۲. هویت «دین» در سیره رضوی

حلّ مسئله «پلورالیسم دینی» و تبیین سیره رضوی در ارائه الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان، مسبوق به تصوّری روشن از هویت و چیستی دین است. دین در لغت، به معنای کُرنش، سرسپاری، تسلیم، جزا... است (تعالی، ۱۳۱۸ق / فیروزآبادی، ۱۴۰۵ق / ابن منظور، ۱۲۷۳ق / ذیل واژه «دین»): اما مفهوم اصطلاحی آن در رهیافت‌های

گوناگون و به اعتبار تعدد ادیان و تنوع فهم‌ها، متفاوت است؛ از این‌رو تعاریف پرشماری از دین به‌ویژه در مطالعات جدید - دین‌پژوهی نوین - ارائه شده است.^۱ تعریف دین به «راه و رسم زندگی» عام‌ترین تصویری است که علامه طباطبائی با الهام از کاربرد آن در قرآن کریم به‌دست می‌دهد؛ آنجا که فرعون نگران تغییر دین مردم به دست موسی ﷺ است: «إِنَّمَا يَأْخُذُ أَن يَدْعُوكُمْ...» (غافر: ۳۶) / ر.ک به: طباطبائی، ۱۳۷۵، ص۹).

برخی دین را خضوع و فرمابنبرداری نسبت به برنامه یا مقررات معین (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۸۹) و عده‌ای آن را قرارداد الهی برای خردمندان می‌دانند که شامل اصول و فروع است (طربی، ۱۳۲۱، ص ۵۸۳).

به نظر نگارنده، در جستار از حقیقت دین، ذکر چند نکته، ضروری می‌نماید: نخست اینکه باید ادیان الهی (وحیانی) را از ادیان بشری (غیر وحیانی) - که ساخته انسان و معلول نیازهای روحی و اجتماعی اوست - جدا کرد؛ چراکه ادیان الهی ریشه در غیب دارند و اساس آنها بر روحی و پیام الهی استوار است. انسان سازنده دین الهی نیست، بلکه دریافت کننده پیام الهی است که باید در دل به آن ایمان یافته، در عمل به محتوای آن ملتزم شود. چنان‌که رهیافت امام رضا علیه السلام در تعریف ایمان بر این معنا منطبق است: «ایمان، تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به اركان و اعضاء است» (صدقوق، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۲۶). حضرت در موضعی دیگر، تفکه و ژرف‌نگری در دین الهی را از ویژگی‌ها و شرایط لازم برای درک کامل حقیقت ایمان دانسته، می‌فرماید: «لا یستکمل عبدُ حقيقة الایمان حتّى تكونَ فيه خصال ثلث، التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۳۳۹).

۱. برای آگاهی بیشتر درباره تعریف دین، ر.ک به: محمدتقی جعفری؛ فلسفه دین؛ تدوین عبدالله نصری؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۵-۱۹. مایکل پترسون و دیگران؛ عقل و اعتقاد دینی؛ ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی؛ تهران: خیام، ۱۳۷۷، ص ۱۸-۲۲. رابرт هیوم؛ ادیان زنده جهان؛ ترجمه عبدالرحیم گواهی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۲۱.

نکته دیگر آنکه: به نظر برخی از متفکران، اساساً تعریف ماهوی از دین با عقل بشر میسر نیست؛ زیرا تعریف ماهوی شیء، بیان ماهیات و ذاتیات آن و در اصطلاح منطق، تعریف به جنس و فصل یا جنس و رسم (حد تام و حد ناقص) است؛ اما تعریف دین به این امور، مطلقاً امکان‌پذیر نیست.^۱ لذا هویت و چیستی دین را باید از خود وحی و پیام الهی، تتبع و انتزاع نمود. جالب اینکه رویکرد امام رضا^ع به حقیقت دین نیز، معطوف به اصول و مؤلفه‌های آن به خصوص مسئله توحید و امامت است. تجلی این هر دو را می‌توان در حدیث مشهور «سلسلة الذهب»^۲ به وضوح مورد تحلیل و بررسی قرار داد. حضرت^ع روایت فوق را چنین بیان می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَسْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي... فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَى بِشَرْوَطَهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطَهَا» (صدقو، ۱۳۶۴، ص ۲۱).

امام رضا^ع در این حدیث بر مسئله نجات‌بخشی دین تأکید ورزیده، شرط رهایی و نجات کلمه توحید را در ولایت و امامت خود و سایر ائمه معصومین^ع بیان می‌دارد. از حضرت رضا^ع در حدیثی مفصل، تعریف امامت و ابعاد گوناگون آن به عنوان اساسی‌ترین مؤلفه دین، نقل شده است که به نحوی ماهیت و چیستی دین را نیز روشن می‌سازد: «إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَانُ الدِّينِ وَ نَظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزٌّ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ الْإِمَامَةَ أُسُّ الْاسْلَامِ النَّامِيُّ وَ...» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹۹ / صدقو، [بی‌تا]. ج ۱، باب ۲۰، ح ۱).

۱. زیرا دین – که مجموعه قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی است – وحدت حقیقی ندارد و هر آنچه فاقد وحدت حقیقی است، وجود حقیقی و به تبع آن ماهیت و جنس و فعل، ندارد. پس تعریف ماهوی به حد و رسم نیز نخواهد داشت (برای اطلاع و تفصیل مطلب، ر.ک به: عبدالله جوادی آملی؛ دین‌شناسی؛ قم: اسراء، ۱۳۸۱، ص ۲۵-۲۸).

۲. منظور از «سلسلة الذهب» زنجیره طایی پیوند راویان حدیث از حضرت رضا^ع به رسول الله^ص است. شیخ صدقوق در عيون اخبار الرضا، حدیث فوق را از چهار طریق نقل کرده است (برای مطالعه بیشتر درباره روایت، ر.ک به: شیخ صدقوق؛ عيون اخبار الرضا؛ ترجمه محمدتقی اصفهانی؛ ج ۲، تهران: علمیه، [بی‌تا]، باب ۳۷، ص ۱۳۵ به بعد و همو؛ ثواب الاعمال؛ قم: شریف رضی، ۱۳۶۴، ص ۲۱).

با توجه به این شواهد، می‌توان گفت: در سیره رضوی علاوه بر حقّانیت دین، به اصل نجات‌بخشی هویت دینی نیز التفات ویژه‌ای شده است که این خود رهیافتی مؤثر در حلّ مسئله «دیگر ادیان» به شمار می‌آید.

۳. کثرت‌گرایی دینی هنجاری در فرهنگ رضوی

کثرت‌گرایی دینی به عنوان یکی از پاسخ‌های مهم به مسئله «دیگر ادیان» چالش بسیار فراخ‌دامنی نزد متألهان و متكلمان به میان آورد که پرداختن به آن از حوصله این نوشتار، بیرون و خود محتاج پژوهشی مستقل است.^۱ اما آنچه در این مقال شایان توجه است، تفکیک ابعاد کثرت‌گرایی دینی است؛ چه اینکه «پلورالیسم دینی» — که بعد «هنجاری» آن، می‌تواند پاسخی مؤثر و راهگشا برای مسئله رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان باشد وجوه و اضلاع گوناگونی دارد. هر یک از این ابعاد، ناظر به مسئله‌ای از مسائل مندرج در «ادیان دیگر» است که عبارتند از:

– کثرت‌گرایی دینی «نجات‌شناختی»؛^۲

– کثرت‌گرایی دینی «معرفت‌شناختی»؛^۳

۱. برای مطالعه دیدگاهها و مکاتب گوناگون در کثرت‌گرایی دینی ر. ک به: Richards, Glyn; Towards a Theology of Religion.

۲. Soteriological religious pluralism. در این بُعد از نظریه، به مسئله «آیا متدينان دیگر ادیان نیز به نجات و رستگاری نایل می‌شوند؟» پاسخ داده می‌شود؛ چراکه هویت دین و هدف اساسی آن نزد مسیحیان، نجات است (برای مطالعه بیشتر در این‌باره، ر. ک به: جان هیک؛ فلسفه دین؛ ترجمه بهرام راد؛ تهران: بین‌المللی‌الهدی، ۱۳۷۲، ص. ۱۸).

۳. Epistemological religious pluralism. وجه معرفت‌شناختی نظریه پلورالیسم، معطوف به توجیه و اثبات مدعیات دینی ادیان است؛ در واقع این رویکرد، تلاشی است برای پاسخ به این مسئله که «اعتقادات دینی من موجّه و اثبات‌پذیر است، در مورد سایر ادیان چطور؟ آیا آنها نیز توجیهی

- کثرت‌گرایی دینی «حقیقت‌شناختی»؛^۱
- کثرت‌گرایی دینی «وظیفه‌شناختی یا فقهی»؛^۲
- کثرت‌گرایی دینی «اخلاقی»؛^۳
- کثرت‌گرایی دینی «هنجاري». ^۱ (رهیافت نوشتار حاضر، معطوف به این بعد از کثرت‌گرایی دینی است).

برای اعتقاد دینی خودشان دارند؟ لگنهاؤزن، تعریف دقیق کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی را چنین صورت‌بندی می‌کند: «پیروان ادیان بزرگ جهان، نسبت به توجیه (اثبات) اعتقاد دینی خودشان با هم برابرند» (محمد لگنهاؤزن؛ اسلام و کثرت‌گرایی دینی؛ ترجمه نرجس جواندل؛ تهران: طه، [بی‌تا]. ص ۳۵).

۱. Alethic religious pluralism . این بعد از کثرت‌گرایی به مسئله حقانیت ادیان دیگر پاسخ می‌دهد. در این رهیافت، همه ادیان به نحوی از حقانیت برخوردارند؛ مشکل عمدۀ در دعاوی متعارض ادیان است؛ لذا مهم‌ترین چالش‌ها را به میان آورده است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک به آثار جان هیک، بنیانگذار این شاخه از کثرت‌گرایی دینی:

- Hich, John; **Disputed questions in theology and philosophy of religion**; New Haven:

Yale University, 1993, p.4.

Or:

- Hich, John; **An Interpretation of religion**: Human Response to the Transcendent; New Haven and london: Yale University press, 1989, pp 141-172
Or:

- Hich, John; God and The univers of faiths, London: Macmillan, 1977, p. 140
۲. کثرت‌گرایی وظیفه‌شناختی به این مسئله می‌پردازد که «آیا برای اطاعت از اوامر الهی و پرهیز از نواهی الهی، حتماً باید متبعّد به نظام فقهی اسلام یا یهود یا... بود؟». این مسئله از حیث درک صحیح وظیفه و مسئولیت انسان در قبال کثرت سنت‌های دینی جهان، حائز اهمیت است.

۳. این بعد از کثرت‌گرایی را نباید با کثرت‌گرایی هنجاري درآمیخت. مسئله در این مقام چنین است: «ملک نهایی خوب و بد و جدول فضایل و ردائل را از آموزه‌های اسلامی برمی‌گیریم؛ آموزه‌های اخلاقی سایر ادیان چگونه‌اند؟».

بعد هنجاری کثرت‌گرایی دینی، در واقع پاسخی برای سؤال از الگوی رفتار ارتباطی پیروان یک دین خاص در قبال طرفداران سنت‌های دینی دیگر است. بر مبنای این نظریه، پیروان دیگر ادیان نیز محترم‌اند. برای مثال مسلمانان وظیفه دارند نسبت به پیروان ادیان دیگر به شیوه مناسبی رفتار کنند و تسامح نشان دهند. «سختگیری و تعصب، خامی است» (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۶).

در حل^۱ مسئله رفتار با پیروان ادیان، برخی متفکران قائل به تفکیک پلورالیسم در بعد نظری و عملی شده، معتقدند با صرف نظر از حیطه عقاید، در مقام عمل، پیروان سایر ادیان می‌توانند با هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و رابطه خود را بر اساس ارزش‌های انسانی و احترام متقابل، تنظیم نمایند: «سنت همه حق جویان عالم، اعم از دانشمندان و فیلسوفان و طرفداران ادیان و انبیاء و همه خدایران و حق جویان، این بوده که با کسانی که اختلاف داشتند روابط انسانی و محترمانه برقرار کنند و با حفظ کرامت و احترام طرف مقابل، به بحث و گفت‌و‌گو بپردازنند» (مصطفی‌یزدی، ۱۳۷۷، ص ۸).

به طور کلی بر اساس تعالیم اسلام، باید نسبت به همه انسان‌ها، حتی کسانی که به نظر ما، اهل نجات و رستگاری نیستند، احترام و تسامح داشته باشیم (ر.ک به: لکنهاوزن، [بی‌تا]. ص ۳۵).

رعایت حقوق طبیعی انسان‌ها، وظیفه‌ای دینی در آموزه‌های اسلامی است. بهترین بیان در این مقام را در دستورنامه حکومتی حضرت علی^{علیه السلام} به مالک اشتر می‌توان

۱. normative religious pluralism این بعد از کثرت‌گرایی، دینی در واقع پاسخی برای این پرسش است که «آیا پیروان دیگر ادیان نیز محترم‌اند؟ رفتار ما با آنها باید بر مبنای چه الگویی باشد؟» (در این‌باره ر.ک به: محمدتقی مصباح‌یزدی؛ «گفت‌و‌گو (در باب گفت‌و‌گوی ادیان و تمدن‌ها)»، کتاب نقد، ش ۹ و ۱۰، ص ۸).

دید که پیروان ادیان غیر اسلام نیز همنوع و سزاوار احترام و محبت محسوب می‌شوند: «...وَ أَشِعْرَ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّهِ، وَ الْمَحْبَّةَ لَهُمْ، وَ الْلُّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَ عَلَيْهِمْ سَبُعاً ضَارِيًّا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَامٌ أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» [ای مالک! مهربانی و محبت ورزیدن و لطف به رعیت را پوشش دل خود قرار ده، و با آنان چونان حیوان درسته مباش که خوردن شان را غنیمت شماری؛ زیرا رعیت دو دسته‌اند: یا برادر ایمانی تو [و مسلمان] هستند و یا نظیر تو در آفرینش (غیر مسلمان و پیرو سایر ادیان و مذاهبند که در این صورت، انسان و همنوع تواند)] (نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، نامه ۵۳).

استاد مطهری نیز به مسئله کثرت‌گرایی دینی در بعد هنجاری و رفتاری قائل بوده، چنین اشاره می‌کند:

از نظر اسلام، مسلمانان می‌توانند در داخل کشور خود با پیروان ادیان دیگری که ریشه توحیدی دارند، از قبیل یهود و نصاری و مجوس، هر چند بالفعل از توحید منحرف باشند، تحت شرایط معینی، همزیستی داشته باشند (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۴۹).

اما از تبعیع در زندگی و سیره فکری و عملی امام رضا^ع چنین بر می‌آید که ایشان در مسئله الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان، اهل تسامح و سعه صدر بودند. حضرت نه تنها به لحاظ فکری و نظری، بلکه به لحاظ عملی و سلوک رفتاری نیز چنین بوده است. احترام همراه با رفق و مدارا در مناظرات با سران ادیان و مذاهبان، مؤید این مطلب است (ر.ک به: مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۷۹ به بعد / صدوق، [بی‌تا] ج ۲، ص ۲۳۲). ایشان نسبت به اهل عناد، سختگیر بودند، اما هرگز کسی را صرفاً به سبب عقاید خاصی مورد توهین و استهzaء قرار نمی‌دادند (ابن شهرآشوب، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۶۲).

این سلوک حضرت رضا<ص> حاکی از آن است که ایشان از هوش هیجانی بسیار بالایی برخوردار بودند و همین، الگوی رفتاری ایشان را مبتنی بر احترام اصیل متقابل، رقم می‌زد. پر واضح است که یکی از شرایط لازم برای متکلم معاصر - کسی که رسالت تبیین و دفاع از باورهای دینی و تحلیل مسائل نوین کلامی را به عهده دارد - برخورداری از هوش هیجانی بالاست تا بتواند با سعه صدر، آرا و باورهای دیگر را بشنود و از موضع انکار، باب فهم را نبندد (ر.ک به: فرامرز قراملکی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۱). از مجموع گفته‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت: در فرهنگ رضوی، پلورالیسم دینی «هنجاري» مورد پذیرش است و صلح و همزیستی، از اصلی‌ترین اصول مناسبات با پیروان سایر ادیان به شمار می‌رود. حضرت<ص> برای رسیدن به این هدف از هر فرصتی بهره می‌گیرد و تا آنجا که با اهداف و روح کلی اسلام (تشیع) ناسازگار نباشد، دست دوستی به سوی ادیان و مکاتب دراز می‌کند (ر.ک به: میرداداشی، ۱۳۸۳، ص ۶۷).

۴. فرهنگ رضوی و ترویج «گفت‌وگوی ادیان»

پی‌جوبی الگوی رفتاری با پیروان سایر ادیان در سیره رضوی، بی‌ارتباط با تلقی حضرت<ص> از حقانیت یا بطلان ادیان و شرایع پیشین نیست. پر واضح است که دین گاهی به حق و زمانی به باطل وصف می‌شود؛ زیرا مجموعه عقاید و اوصاف اخلاقی و احکام فقهی و حقوقی، یا حق است یا باطل، و یا ممزوج از حق و باطل است. قرآن کریم رهآورد انبیا را دین حق می‌داند؛ چون عقاید و اخلاق و مقررات آن، مطابق واقع است و آنچه مطابق نظام هستی و منسوب به خداوند باشد، حق است: «الْحَقُّ مِنْ رِبِّكَ» (آل عمران: ۶۰) در فرهنگ و سیره رضوی که ترجمان وحی الهی است، ادیان

آسمانی با همه جلوه‌های تاریخی‌شان، دارای ماهیت واحدند؛^۱ با وجود این، تحریف ادیان از مسیر اصلی و حقیقی خود که در طول تاریخ و به دست حکّام فرصت‌طلب صورت گرفته است، باعث شد ادیان آسمانی در برخی اصول از یکدیگر فاصله بگیرند.

آنچه امروزه جهان بشری به شدت به آن نیازمند است، تعامل و گفت‌وگوی ادیان برای کم کردن فاصله‌های موجود بین ادیان، تأليف قلوب پیروان آنها و یکسونمودن حرکت انسان‌ها به سوی سعادت است. بر همین اساس، قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ما تو را برای همه انسان‌ها مبعوث کردیم» (سبأ: ۲۸)؛ زیرا یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد شریعت مقدس اسلام، جهانی‌بودن و تعلق آن به همه انسان‌ها از هر نژاد و مکان و آیینی است.

امام رضا^ع با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاصّ خود در دوران ولایتعهدی، گامی مؤثر برای رفع اختلافات، آشکارساختن نواقص موجود در ادیان تحریف‌شده و اثبات حقانیت اسلام برداشته و شاید به‌جرئت بتوان گفت ایشان اولین شخصیتی است که باب «گفت‌وگوی ادیان» را به جامعه اسلامی باز کرد. نمود بارز این پدیده

۱. نام عمومی این ادیان که در واقع، بیانگر روح تعالیم همه پیامبران آسمانی است، «اسلام» است: «اَنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْاِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹). قرآن کریم بر این نکته تصريح و تأیید دارد که همه آیین‌های توحیدی، در واقع یک حقیقت واحدند و همه انبیا مردم را به یک دین (اسلام) دعوت کرده‌اند: «شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وُصِّيَّ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا أَوْحَيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَفْرَّقُوا فِيهِ...» (شوری: ۱۳) (برای مطالعه تفصیلی ر.ک به: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۲. همان؛ ج ۳، ص ۱۵۷. محمدحسین طباطبائی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ذیل آیات ۱۴ سوره حجرات، ۱۶ سوره انعام و ۱۳۲ سوره بقره).

را می‌توان در مناظرات امام علیه السلام با جاثلیق^۱ به نمایندگی از آیین مسیحیت، رأس‌الجالوت^۲ به نمایندگی از دین یهود، هیربد^۳ موبد بزرگ، به نمایندگی از دین زردشت، عمران صابی^۴ به نمایندگی از صابئان و عده‌ای از علماء و سران برهمن، مشاهده کرد (ر.ک به: صدوق، ۱۳۷۸، ج. ۱، صص ۱۵۴ و ۱۹۲ / طبرسی، ۱۳۸۶، ج. ۲، ص ۲۰۳-۲۰۴).^۵

بنابراین بر خلاف عقیده هانتینگتون - صاحب نظریه برخورد تمدن‌ها - که معتقد است مسیحیت به دلیل تساهل و تسامح، بهترین دین برای سعادت بشر است و اسلام، به سبب آمیختگی با سیاست، نمی‌تواند در این زمینه مؤثر باشد (ر.ک به:

۱. جاثلیق (به کسر ث و لام) لفظ یونانی به معنای رئیس اسقف‌ها و پیشوای عیسوی است؛ لقبی است که به علمای بزرگ نصاری داده می‌شد و نام شخص خاصی نیست. به نظر می‌رسد معرب «کاتولیک» باشد (برای مطالعه تفصیلی مناظره امام با جاثلیق مسیحی، ر.ک به: شیخ صدوق؛ عيون اخبارالرضا؛ ج. ۱، ص ۱۰۳-۱۰۸).

۲. رأس‌الجالوت، لقب دانشمندان و بزرگان ملت یهود است (آن نیز اسم خاص نیست). برای مطالعه گفت‌وگوی امام با رأس‌الجالوت یهودی، ر.ک به: شیخ عباس قمی؛ منتهی الآمال؛ ص ۱۴۰۷-۱۴۰۹ و شیخ صدوق؛ عيون اخبارالرضا؛ ج. ۱، ص ۱۰۹-۱۱۰.

۳. هربد یا هیربد اکبر، لقبی است که مخصوص بزرگ زردشتیان بود و به معنای پیشوای بزرگ مذهبی و قاضی زردشتی و خادم آتشکده می‌باشد (برای مطالعه اصل مناظره امام با هیربد زردشتی، ر.ک به: محمد مرتضوی؛ نهضت کلامی در عصر امام رضا؛ ص ۱۵۰).

۴. عمران صابی، چنان‌که از نامش پیداست، از مذهب صابئین دفاع می‌کرد. صابئین گروهی بودند که خود را پیرو یحیی^۶ می‌دانند، ولی به دو گروه موحد و مشرک تقسیم می‌شوند. گروهی به ستاره‌پرستی رو آورده‌اند؛ لذا گاه آنان را ستاره‌پرست می‌نامند. آنها طبق عقاید خود، بیشتر در کنار نهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. هم‌اکنون گروهی از آنان در اهواز و بعضی از مناطق دیگر به سر می‌برند (برای مطالعه تفصیلی گفت‌وگوی امام رضا^۷، ر.ک به: شیخ صدوق؛ عيون اخبارالرضا؛ ج. ۱، ص ۱۱۱-۱۲۰ و مرضیه محمدزاده؛ علی بن موسی^۸ امام رضا؛ ص ۳۸۴-۳۹۱).

هانتینگتون، ۱۳۷۴، فصل اول)، همچنین دیدگاه سید قطب، مبنی بر اینکه اسلام بر اساس آیه «لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (صف: ۹) باید سلطه داشته باشد، امام رضا^ع عملًا اثبات نمود از دیدگاه اسلام، ادیان آسمانی با وجود مواضع خلاف ظاهری، می‌توانند با تکیه بر مواضع وفاق واقعی، به مذاکره و گفت‌وگوی صلح‌آمیز بپردازنند.

از این‌رو گرچه اصل گفت‌وگو با ادیان، از عصر نبوی^{صلی الله علیه و آله و سلم} شروع شد و در عصر علوی^{علیهم السلام} ادامه یافت و سایر ائمه همچون صادقین^{علیهم السلام} آن را پیش بردن، اما لیکن اگر عصر رضوی^{علیهم السلام} را دوره اوج و ترویج فرهنگ گفت‌وگوی ادیان و تقریب مذاهب بدانیم، چندان به بیراهه نرفته‌ایم؛ چه اینکه در زمان ایشان دست کم دو نوع گفت‌وگو رایج بوده است: گفت‌وگوی «درون‌مذهبی» که همان بحث تقریب مذاهب اسلامی را شامل می‌شود و گفت‌وگوی «برون‌مذهبی» که معنای امروزی آن، گفت‌وگوی ادیان است.

توفیق امام^{علیهم السلام} در این زمینه، از چند منظر قابل تأمل است: از منظر سیاست، برای اولین بار حکومت مسلط به سراغ امام رفته، در ظاهر، خلافت و پس از آن ولایت‌عهدی را به امام پیشنهاد می‌دهد که به هر دلیل، پیشنهاد اخیر مورد قبول امام قرار می‌گیرد. از منظر مسائل فرهنگی، امام هفده سال از دوره امامت خود را در مدینه سپری می‌کند و با آزادی نسبی به نشر معارف اسلامی و مذهبی می‌پردازد (صفری فروشانی، ۱۳۸۸، ص. ۵۸). آنچه بر اهمیت موضوع - گفت‌وگوی ادیان و مذاهب - می‌افزود، شخصیت خاص و ویژه مأمون بود که به عنوان عالم‌ترین و علمدوست‌ترین خلفای بنی عباس معرفی شده است؛ و همو بود که به هر دلیل، کمنظیرترین مجالس مناظره و احتجاج را در مرو تشکیل می‌داد تا دانشمندان آیین‌ها و مذاهب مختلف، دیدگاه‌های خود را بیان کنند و برای اثبات باورهای خود به تلاش بپردازنند (همان، ص. ۵۹).

سیره ارتباطی حضرت با پیروان سایر ادیان، مبین آن است که شناخت جهان و حقایق عالم، در گرو فهم فرهنگ‌های جهانی است؛ بنابراین لازمه گفت و گوی سنت‌های دینی و توفیق در رفتار ارتباطی با نوع بشر، وسعت شناخت فرهنگ‌ها و ادیان مختلف است. تسلط کامل حضرت بر لغات و زبان‌های زنده جهان و آشنایی با فرهنگ معرفتی و متون سایر ادیان و مکاتب، سندی گویا و شاهدی عملی بر این مدعّاست.

۵. شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان «دیگر ادیان» در سیره رضوی

با سیری در حیات فکری امام رضا<ص> و نهضت علمی که توسط آن حضرت شروع شد، به خوبی می‌توان دریافت که درست در آن زمانی که غرب در قرون وسطی سیر قهقهایی انحطاط فرهنگی را پشت سر می‌گذاشت و روز به روز حلقة محاصره فرهنگ و اندیشه آنان تنگ‌تر می‌گشت و حکمت اسکولاستیک کلیسا‌ای، حاکمیت قهارانه خود را بر هر حکمت و فکرت دیگری می‌گستراند، در مقابل، اندیشه اسلامی و فرهنگ مترقّی رضوی با تبلیغ و ترویج حریت و آزادگی فکری، نه تنها بر اندیشه‌های مخالف بر نمی‌آشفت، بلکه با رویی گشاده و آغوشی گشوده، هر اشکال و شباهی را پاسخ می‌داد و برتری خود را نه در حذف که در رویارویی با اندیشه‌های مخالف جست‌وجو می‌کرد. به نظر نگارنده، این رویه آزادمنشانه حضرت رضا<ص> دست کم چند نتیجه در برداشت:

یک) مهر تأیید بر تبادل اندیشه و آزادی فکر و بیان؛
دو) اثبات حقانیت اسلام به شیوه‌ای منطقی، عقلی و علمی؛
سه) فرهنگ‌سازی و ارائه الگوی رفتاری در ارتباط با پیروان سایر ادیان و مذاهب.
گفتنی است یکی از مباحث مهمی که جای کاوش‌های محققانه بسیاری دارد و خود به تنهایی ارائه‌دهنده الگوها و مدل‌های تعلیمی - تربیتی و حاوی سبک و شیوه

موفق در بحث و مناظره است، بررسی ویژگی‌های بحثی و روش‌های کاربردی آن حضرت در مناظره و مباحثه است که این خود، پژوهشی مستقل و مفصل می‌طلبد؛ اما به اقتضای تناسب بحث، به چند نکته از این ویژگی‌ها، به عنوان شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان دیگر ادیان، اشاره می‌گردد:

۱-۵. التزام به اخلاق انسانی (احترام و مهربانی)^۱

اخلاق، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است و کاشف کیفیت ذات و حاکی درون اوست که درجه نفوذ ایمان را در وی نشان می‌دهد. امام رضا^ع همچون جدّ بزرگوارش در اخلاق، نمونه و الگو بود و در زندگی فردی و اجتماعی، خلق والای پیامبر را حکایت می‌کرد؛ چنان‌که گفته‌اند: «یمیثُلُ النَّبِيُّ فِي أَخْلَاقِهِ فَإِنَّهُ النَّابِتُ مِنْ أَعْرَاقِهِ» (مفید، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۰۱)؛ در اخلاق او پیامبر^ع جلوه‌گر می‌شود؛ چراکه او برخاسته از ریشه‌های نبوی است.

از این‌رو، حضرت، دوستی عام و خاص را به خود جلب فرموده بود. انسانیت امام^ع یگانه و بی‌مانند و در حقیقت، تجلی روح نبوت و مصدق رسالتی است که خود آن حضرت، یکی از حافظان و وارثان اسرار آن به شمار می‌رود. از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده که گفته است: «من ابی الحسن الرضا را هرگز ندیدم در سخن‌گفتن با کسی درشتی کند، هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن قطع کند، هرگز درخواست کسی را که قادر به انجام‌دادن آن بود، رد نفرمود...[تا آنجا که می‌گوید] هر که بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید» (صدق، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۸۴).

۱. درباره روش برخورد اخلاقی – انسانی امام رضا، ر.ک به: ابن شهرآشوب؛ مناقب آل ابی طالب؛ ج ۴، ص ۳۶۲ به بعد و کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۴، ص ۱۸۱.

امام رضا^{علیه السلام} رسالت اخلاقی خود را این گونه نمایان می‌سازد و نشان می‌دهد این شیوهٔ پیمبرگونه‌ای است که می‌توان با آن به اوج کمالات انسانی رسید و به بلندای عظمت واقعی گام برداشت، و با همین اخلاق و رفتار است که می‌توان اصالت و عمق ایمان و علوّ ذات و بلندی مقام انسان را شناخت. حضرت ^{علیه السلام} الگوی اسلام را در روابط میان انسان‌ها با برخی اعمال خود که تراویده از رفتار یک انسان کامل و حقیقی است، بیان می‌فرماید؛ آنچنان که می‌توان دریافت از نظر حقوق جامعه و رعایت شرف انسانی، هر گونه امتیاز طبقاتی و هر نوع برتری‌جویی فردی و اجتماعی را لغو کرده است و تنها تفاوتی که بین انسان‌ها درنظر گرفته، فرمانبرداری از خدا و نافرمانی اوست^۱ (فضل الله، ۱۳۶۹، ص ۴۴)؛ برای نمونه، شخصی به امام عرض کرد: «به خدا سوگند در روی زمین از حیث نسب کسی از شما برتر نیست. امام به آن شخص فرمود تقوا به آنان برتری داد و فرمانبرداری خدا، آنان را بدان مقام رسانید» (صدقه، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۲۶). رفتار و برخورد امام رضا^{علیه السلام} نسبت به پیروان ادیان و فرق مختلف، عادلانه و عاقلانه و به دور از ظلم و تبعیض و مبتنی بر انصاف و انسانیت و مهروزی بود.^۲ برای مثال، یاسر، خدمتگزار امام می‌گوید:

۱. درباره رفتار عادلانه امام رضا^{علیه السلام} با همه انسان‌ها، صرف نظر از دین و عقیده و نژاد آنها، روایتی از عبدالله بن صلت به نقل از یکی از مردم بلخ آمده که گفت: در مسافرت امام علی بن موسی الرضا به خراسان با او همراه بودم. روزی همگان را بر سر سفره فراخواند و غلامان او از سیاه و غیرسیاه آمدند و بر سر سفره نشستند. به او گفتم فدایت شوم آیا بهتر نیست برای اینان سفره‌ای جداگانه گستردۀ شود؟ گفت خاموش! خدای همه یکی است و مادر یکی و پدر یکی و پاداش هر کس بسته به کردار اوست (کلینی؛ اصول کافی، ج ۸، ص ۲۳۰).

۲. حضرت رضا^{علیه السلام} اظهار دوستی و محبت به همه مردم و مهروزی نسبت به آنها را از عقل و خردورزی می‌دانست: «الْتَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعُقْلِ» (کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۶۴۳). نیز در خصوص دستور اسلام به مهروزی با مردم و حتی دشمنان و مخالفان، ر.ک به: حسین انصاریان؛

از نیشابور نامه‌ای به مأمون رسید به این مضمون که مردی زردشتی هنگام مرگ وصیت کرده ثروت زیادی را که از او باقی مانده، میان فقراء بینوایان تقسیم کنند. قاضی نیشابوری آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است. مأمون به امام رضا^ع عرض کرد: ای سرور من در این موضوع چه می‌فرمایید؟ امام فرمود: زردشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند. نامه‌ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات مسلمانان بردارد و به بینوایان زردشتی بدهد (همان، ص ۱۸۴، با اندکی تلخیص) بعد دیگری از الگوی رفتار رضوی را باید در اخلاق و آداب مناظرات حضرت با سران ادیان و مذاهب، جست و جو کرد؛ چه اینکه با تأمل در نوع بیان و ادبیات گفت و گوهای امام رضا^ع می‌توان دریافت مذاکرات ایشان با سایر ادیان، فاقد هرگونه خودرأی و چیره‌طلبی بوده، با مناظرات متداول – که با قصد کوچک‌شماری و ساکت‌نمودن خصم صورت می‌گرفت – کاملاً متفاوت است. روش حضرت، بیان روشنگرانه معارف الهی و آزادگذاشتن طرف مقابل در پذیرش یا عدم پذیرش – و نه تحمل عقیده شخصی – است (در ک به: طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۸۶ / صدوق، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۹۰؛ بنابراین الگوی رفتار ارتباطی با دیگر ادیان در سیره رضوی، مبتنی بر اخلاق و برداری و شناختن حق مخالفان است. در اشعار منسوب به امام رضا^ع جلوه‌های اخلاقی این الگو و مدل رفتاری، به نیکی هویداست؛ برای نمونه، حضرت این ابیات را در پاسخ به درخواست مأمون قرائت فرمود:

وَ إِنْ كَانَ دُونَى مَنْ بَلِيَتْ بِجَهَلٍ أَبِيتْ لِنَفْسِي أَنْ تَقَابِلَ بِالْجَهَلِ
وَ إِنْ كَانَ مِثْلِي مِنَ النَّهَى أَخَذْتُ بِحِلْمِي كَيْ أَجِلَّ عَنِ الْمِثْلِ
وَ إِنْ كُنْتُ أَدْنِي مِنْهُ فِي الْفَضْلِ وَالْحِجْرِ عَرَفْتُ لَهُ حَقَّ التَّقْدِيمِ وَالْفَضْلِ
(بن شهرآشوب، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۷۲ / دخیل، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۳۶)

فرهنگ مهرورزی؛ ص ۳۰-۳۲. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲، ص ۵۲ و کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، باب التحیب إلى الناس).

ترجمه: [هرگاه در مقابل کسی قرار گیرم که از او ناراحتی می‌بینم، از سه حال خارج نیست: یا او فردی است که شخصیتش پایین‌تر از من است، یا موازی و مطابق من است و یا بالاتر و رفیع‌تر از من.]

اگر گرفتار جهالت کسی شوم که شخصیتش پایین‌تر از من است، نفس خویش را باز می‌دارم از اینکه با نادانی او به مقابله برخیزد. و اگر در خردمندی، مانند من و شائش مطابق من باشد، با حلم و بردباری رفتار می‌کنم تا از مثل خود برتری جویم و از وی بالاتر باشم. و اگر در فضیلت و خرد از او کمتر باشم، حق تقدّم فضل و برتری را به او می‌دهم و خودداری می‌نمایم.

۴-۵. مخاطب‌شناسی و آشنایی با زبان و متون مقدس سایر ادیان

«زبان‌آشنایی»، «مخاطب‌شناسی»، علم و دانش وسیع و اطلاعات جامع نسبت به متون دینی و آموزه‌های آسمانی سایر ادیان و مکاتب عصر را می‌توان از دیگر شاخص‌های مهم الگوی رفتار ارتباطی امام رضا<علیه السلام> با پیروان دیگر ادیان و مذاهب به حساب آورد.

طبق اسناد تاریخی و روایی معتبر، حضرت رضا<علیه السلام> به همه زبان‌های مختلف آشنایی کامل داشت و با زبان متدائل و رسمی مخاطب - از هر قوم و آیینی - با وی گفت‌و‌گو می‌کرد (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۲۸، باب معرفته بجمعی اللغات). مناظره مشهور امام در بصره با عالمان و سران ادیان و مذاهب، مؤید این مطلب است. شخصی به نام عمرو بن هداب به امام عرض کرد: «محمدبن فضل مدّعی است شما به آنچه خدا نازل کرده است، عالم‌اید و با هر لغت و زبانی آشنا هستید». امام فرمود: «او راست گفته است. می‌توانید امتحان کنید!» عمرو بن هداب: «قبل از هر چیز درباره آشنایی با زبان‌ها و لغات مختلف، تو را می‌آزماییم. ما افرادی از زبان‌های مختلف رومی، هندی، فارسی و ترکی در اینجا حاضر کرده‌ایم تا با شما در این‌باره سخن

بگویند». امام: «هرچه دوست دارند به زبان خود بپرسند. إن شاء الله پاسخ خواهم داد». به دنبال اعلان آمادگی حضرت رضا، هر یک از افراد، مسئله‌ای به زبان خود پرسیدند و حضرت نیز به زبان آنان به تمام مسائل پاسخ داد، به طوری که مایه تعجب و حیرت مردم گردید، و همه آنان که با حضرت سخن گفته‌اند، اعتراف کردند حضرت نسبت به زبان آنان از خودشان آشناتر است (مجلسی، ج ۴۹، ق ۱۴۰۳، ص ۷۳-۷۹ / صدقه، ج ۱۳۷۸، ج ۲، باب معرفته بجمعی اللغات).

شیوه خاص حضرت در گفت‌وگو با سران ادیان و مکاتب مختلف، اقتضا می‌کرد ضمن احترام به عقاید، مقدسات و کتب آسمانی ایشان، با زبان، منطق و مكتب خودشان آنها را قانع نماید. این مطلب از فحوای کلام خود امام قابل فهم است که فرمود: «...من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با موبدان به شیوه پارسی‌شان، با رومیان به روش خودشان و با اهل بحث و گفت‌وگو به زبان‌های خودشان، استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وا می‌دارم...» (اربلی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۰۵).

بدون شک اگر برای غیرمسلمانان و پیروان دیگر ادیان از قرآن استدلال شود، مورد پذیرش واقع نخواهد شد؛ چه اینکه هنوز حجیت و حقانیت قرآن برای ایشان اثبات نشده است؛ چنان‌که از کلام «جائیق» نیز استفاده می‌شود که وقتی مأمون از او برای مناظره با امام رضا^ع دعوت کرد، در جواب گفت: «كيفَ أحاجِ رجُلاً يحتجّ على بكتابٍ أنا مُنكرهُ». امام رضا^ع در جوابش فرمود: «يا نَصْرَانِي فِإِنْ احْتَجْتُ عَلَيْكَ بِانجِيلِكَ أَتَقْرَأَهُ؟» (صدقه، ج ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۵۴)، باب ذکر مجلس الرضا مع اهل الادیان). این پیشنهاد و اعلام آمادگی حضرت رضا^ع به گفت‌وگو با عالم مسیحی بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب، مظہر توانمندی علمی امام رضا^ع و تسلط وی بر آموزه‌های اعتقادی ادیان و مکاتب مختلف است که این، خود بخشی از ابعاد و جنبه‌های الگوی رفتاری امام را تشکیل می‌دهد.

برای اثبات برتری علمی امام رضا<ص> بر دیگر مردمان، نیازی به گواهی هیچ کس نیست، بلکه کافی است در کتب حدیث، پژوهش و درنگ گردد که سرشار از تعالیم و بیانات آن حضرت در علوم و فنون مختلف است؛^۱ به نحوی که هر انسانی، در هر مرتبه از علم و معرفت، چاره‌ای جز اعتراف و احساس ناتوانی و کوتاهدستی در برابر مقام شامخ علمی آن حضرت ندارد؛ اما برای استناد، به برخی از روایات و شواهد تاریخی بر مقام علمی امام<ص> اشاره می‌گردد:

یک) از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده که گفته است:

من ندیدم از امام رضا<ص> پرسشی شود که او آن رانداند و داناتری از او به آنچه تا زمانش بر روز گار گذشته است، ندیده‌ام. مأمون با پرسش از هر چیزی، آن حضرت رامی آزمود و امام<ص> او را پاسخ می‌فرمود؛ در حالی که تمامی پاسخ‌های آن حضرت، برگرفته از قرآن و مستند به آن بود (صدقه، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۸۰).

دو) رجاء بن ابی ضحاک نقل می‌کند که آن حضرت در هیچ شهری وارد نمی‌شد، مگر اینکه مردم از هرسو به او رو می‌آوردن و مسائل دینی را از آن امام می‌پرسیدند و پاسخ قانع کننده دریافت می‌نمودند؛ تا جایی که مأمون خطاب به رجاء گفت: «او (علی بن موسی الرضا) بهترین و داناترین و عابدترین مردم روی زمین است» (همان، ج ۲، ص ۱۸۱).

۱. درباره علم و دانش وسیع و آشنایی کامل حضرت با آموزه‌های اعتقادی دیگر ادیان و مکاتب که از شاخصه‌های مهم الگوی رفتار ارتباطی با غیرمسلمانان به شمار می‌رود، رک به: شیخ مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۲۵۲. طبرسی؛ أعلام الورى؛ ص ۳۲۰ و مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۴۹، ص ۱۰۰.

سه) همچنین مأمون در داستان ولايتعهدی امام، به اين حقیقت اعتراف نموده، می‌گويد: «من کسی را در روی زمین دانشمندتر از این مرد نمی‌دانم»^۱ (مفید، [بی‌تا]، ص ۲۹۱).

چهار) از اباصلت هروی نقل شده که امام^ع جلسات متعددی با دانشمندان و سران اديان و مذاهب مختلف داشت که رفتار اخلاقی و منطق علمی حضرت در اين نشست‌ها، ثمره‌ای جز مغلوبشدن و اقرار به عجز و ناتوانی علمی آنها و اعتراف به فضل و برتری امام به عنوان نماینده و زعیم مکتب اسلام دربر نداشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۱۰۰).

پنج) در روایت دیگری به نقل از خود علی بن موسی الرضا آمده است: «من در روضه پیامبر^ص می‌نشستم و دانشمندان در مدینه زیاد بودند. چون یکی از ایشان در مسئله‌ای ناتوان می‌شد، همگی متوجهه من گردیده، مسائل را نزد من می‌فرستادند و پاسخ را دریافت می‌کردند»^۲ (همان، ص ۱۰۱)؛ بنابراین بی‌جهت و دور از انتظار نیست که از بین ائمه هدی^ع، حضرت رضا^ع را «عالم آل محمد» لقب داده‌اند.^۳

اما درباره «مخاطب‌شناسی» – که از مهم‌ترین شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی به شمار می‌رود – باید گفت آن حضرت وظیفه خویش را تکلم به میزان عقول مخاطبان

۱. ابن اثیر نیز به برتری علمی حضرت^ع اعتراف نموده، می‌نویسد: «او (مأمون) در فرزندان عباس و علی نظر کرد. هیچ کدام را برتر و پرهیزگارتر و دانشمندتر از او (علی بن موسی الرضا) نیافت» (ابن اثیر؛ *الکامل فی التاریخ*؛ ج ۵، ص ۱۸۳).

۲. شبیه این قضیه را حاکم نیشابوری نیز نقل نموده، می‌نویسد: «علی بن موسی در حالی که فقط از عمرش چند سال بیشتر نمی‌گذشت، در مسجد رسول‌الله^ص نشسته، در مسائل شرعی فتووا می‌داد» (طبرسی؛ *اعلام الوری*؛ ص ۳۲۰). به نقل از: چهل حدیث حضرت رضا^ع برگردیده و نوشته کاظم مدیر شانه‌چی؛ ص ۲۹).

۳. حضرت موسی بن جعفر^ع به فرزندان خود در فضیلت و برتری آن امام می‌فرمود: «پدرم جعفرین محمد به من بشارت داد که عالم آل محمد^ع در صلب توست. کاش او را درک می‌کردم» (رفاعی؛ *عصرالمأمون*؛ ج ۱، ص ۳۵۲).

دانسته، با درک صحیح از تفاوت استعداد و توان وجودی انسان‌ها، بدون ورود به مباحث پیچیده علمی و تعرّض به ظرافت‌های فنّی و تخصصی، به پاسخگویی مشکلات و معضلات فکری و عقیدتی آنان می‌پرداخت.

به نظر نگارنده، می‌توان در شیوه استدلالی امام علیه السلام، روش‌های نوین و دقیقی را جست‌وجو و بررسی کرد؛ از آن جمله توجه به پارادایم مخاطبان و درنظرگرفتن فضای فکری و فرهنگی انسان‌هاست. توضیح آنکه: امام با تشخیص ضرورت، در مقابل بعضی از مخاطبان، صرفاً به پاسخی اقناعی اکتفا می‌کرد و از بیان پاسخ تفصیلی و عمیق علمی خودداری می‌فرمود؛ برای نمونه، شخصی از «ثنویه» خدمت حضرت رسید و بر وجود خداوند دلیل خواست. ایشان با توجه به میزان فهم و قدرت شناخت وی، به پاسخی اقناعی اکتفا نموده، می‌فرماید: «اینکه تو می‌گویی خداوند دو تاست، خود دلیل بر یکتایی است؛ زیرا تو «دوّمی» را نمی‌خوانی، مگر آنکه اولی را اثبات کنی. پس اولی مورد اتفاق همگان بوده و دومی محل اختلاف است» (صدقوق، ۱۳۸۷، ص ۲۶۹).

همان‌طور که دیده می‌شود، آن حضرت در این مرحله از استدلال به اثبات خدای واحد اکتفا نموده، خدای دوم را در مرحله شک و امی‌نهد. دیگر برهانی بر نفی و انکار «دوّمی» اقامه نفرموده، با آنکه برهان اصیل، برهان مرکب است؛ یعنی برهانی که متشکّل از یک اثبات و یک سلب بوده و به عبارت دیگر واجد دو حیث حجیت اقناعی و الزامی باشد. حال آنکه استدلال مذکور در سخن امام علیه السلام صرفاً به جنبه اقناعی نظر دارد و این نیست مگر همان «مخاطب‌شناسی» و رعایت ظرف فکری مخاطب در آن موقعیت خاص.

۳-۵. آزادی فکر و بیان (به رسمیت شناختن حق فکر و سؤال برای پیروان دیگر ادیان) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پارادایم فکری و فرهنگی عصر رضوی را می‌توان آزادی نسبی اندیشه و بیان دانست که حضور عالمان غیرمسلمان و بروز اندیشه‌های گوناگون در قالب مباحثات و مناظرات آزادانه، از لوازم مهم این پدیده تلقی می‌شود.

بی تردید، مبنای اساسی این رفتار و روش عملی امام رضا^ع با پیروان سایر ادیان، الگوهای رفتاری قرآن کریم و استمرار سیره نبوی است؛ چه اینکه حضرت رسول ﷺ نیز در دیپلماسی مترقی خود با سران کشورهای غیرمسلمان - همچون خسروپرویز پادشاه ایران، قیصر سلطان روم، نجاشی پادشاه حبشه و... - رفتاری مبتنی بر اخلاق قرآنی اتخاذ نموده (ر.ک به: احمدی، ۱۳۶۳، ص ۹۷-۱۰۵)، نامه‌های دعوت خود را با این آیه از قرآن کریم آغاز می‌فرمود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْ إِلَى كَلْمَةٍ سَوَاءٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَنَا عَبْدُ إِلَّا اللَّهُ وَلَا شَرِيكَ لَهُ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (آل عمران: ۶۴)؛ بگو ای اهل کتاب بباید به سوی یک کلمه که میان ما و شما مشترک و یکسان است. پرستش نکنیم جز خدای یکتا را و برای او شریکی نگیریم و بعضی، بعضی دیگر را پروردگار خویش نشناشیم.

بدون شک، مهم‌ترین مسئله‌ای که امروز توجه بشر - به‌ویژه دینداران و متدینان - را به خود جلب کرده، آزادی فکر و عقیده است؛ چنان‌که در مقدمه اعلامیه حقوق بشر، ظهور دنیایی که در آن، افراد بشر در بیان عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آرمان بشری اعلام شده است (موسوی‌زاده، ۱۳۵۹، ص ۱۳۸۴). در همین اعلامیه آمده است: «هر کس، حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد» (اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۹).

سؤال اساسی مطرح در این نوشتار آن است که آیا انسان حق دارد در مسائل اعتقادی فکر کند؟ اگر واقعاً سؤال و شبهه‌ای برایش پیش آمد و شکی در دلش پدیدار گشت، حق سؤال دارد؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: در منطق اسلام و قرآن، نه تنها آزادی در فکر و بیان جایز است، بلکه گاهی واجب و ضروری نیز هست و از نظر اندیشمندانی چون استاد مطهری، این خود یکی از امتیازات بزرگ اسلام نسبت به سایر ادیان است (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۹۴).

از این‌رو، امام خمینی (ره) در پیام خود – در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها – فرمود: «اسلام، دین مستند به برهان و متکی به منطق است و از آزادی بیان و قلم نمی‌هرسد» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۹، ص ۱۸۷). اسلام با رویکردی منطقی و برهانی، همه را به حقیقت راهنمایی می‌کند و به مخالفان خود – به‌ویژه اهل کتاب – بارها می‌فرماید: دلیل و برهان‌تان را بیاورید، اگر راست می‌گویید: «قُلْ هاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ» (بقره: ۱۱۱).

به نظر نگارنده، یکی از مهم‌ترین عوامل ظهور نهضت کلامی و رونق مباحثت دینی و عقیدتی در عصر رضوی، التفات ویژه حضرت رضا^ع به آزادی انسان – بهخصوص در ساحت فکر و اندیشه – است،^۱ و پر واضح است که به‌رسمیت‌شناختن حق سؤال و پرسش برای مخاطب، از لوازم آزادی فکر و بیان به شمار می‌آید. پژوهش در تاریخ و سیره رضوی، بر پایبندی عملی حضرت رضا^ع به لوازم خطیر و حسّاس این نوع آزادی صحّه می‌گذارد؛ برای نمونه امام در یکی از مناظرات بصره به یکی از یارانش فرمود: «تمام کسانی را که در جلسه محمد بن فضل حاضر بودند و بقیه شیعیان ما را دعوت کن؛ جاثلیق مسیحی و رأس الجالوت یهودی را نیز فراخوان و از آنان بخواه که در جلسه هرچه می‌خواهند از من بپرسند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۷۲).

۱. هرچند می‌توان عوامل دیگری چون انتقال فرهنگ یونان و عقاید یهود و مسیحیت به جهان اسلام از طریق ترجمه کتب یونانی را در پیدایش نهضت کلامی عصر امام رضا^ع دخیل دانست، بدون شک، یکی از عوامل مهم این حرکت فکری، خود مأمون عباسی است؛ بهخصوص بعد از اینکه امام را به ولیعهدی انتخاب می‌کند، یکی از سلسله‌جنبان این مناظرات آزاد، اوست (برای تحقیق بیشتر در این‌باره ر.ک به: حسن ابراهیم؛ تاریخ الاسلام؛ ج ۲، ص ۳۴۵ رفایی؛ عصرالمأمون؛ ج ۱، ص ۳۷۵ و مرتضوی؛ نهضت کلامی در عصر امام رضا^ع؛ ص ۲۶-۳۴).

بدین ترتیب، سعهٔ صدر امام^ع و احترام به حقوق طبیعی مخاطبان – بهویژه حق[ّ] آزادی فکر و بیان – یکی دیگر از شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان را در فرهنگ رضوی، رقم می‌زند.

آیا از نظر اسلام – و به طور خاص در فرهنگ رضوی – هر عقیده‌ای آزاد است؟ طرح منطقی مسئله، در این نوشتار چنین است: طبق اصل قرآنی «عدم اکراه در دین»، انسان در انتخاب دین و ایمان خود، مختار و آزاد است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج. ۲، ص. ۳۶۱). نظر به این اصل کلی، آیا انسان در داشتن و ابراز هر عقیده‌ای – ولو خرافه و باطل – نیز آزاد است؟ قطعاً پاسخ این سؤال، منفی است و هرگز اسلام اجازه نمی‌دهد انسان، اسیر این‌گونه خرافات باشد؛ بلکه اساساً مبارزات اسلام و همهٔ انبیای الهی برای از میان بردن این نوع عقاید انحرافی و باطل بوده است.

برای حل[ّ] این مسئله – که اگر دین آزاد است، پس چرا بشر نسبت به این‌گونه عقاید، آزاد نیست – باید میان «آزادی فکر» و «آزادی عقیده» تفاوت گذاشت. آنچه مورد حمایت و تأیید اسلام بوده، آزادی فکر است و نه آزادی عقیده. توضیح مطلب آنکه: عقیده وقتی محترم است که از راه فکر آزاد پدید آمده باشد، نه از روی تقلید، تعصّب، جهل، عادت و امثال آن (ر.ک به: موسوی‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۱).

جالب توجه اینکه: مسئله تفکیک آزادی «فکر» و «عقیده» در فرهنگ و سیره رضوی، کاملاً مشهود و قابل فهم است. نمود آزادی فکر و بیان را می‌توان در نهضت کلامی و حضور فعال فرقه‌های اعتقادی در عصر امام رضا^ع جست‌وجو کرد؛ با وجود این، امام در عین به‌رسمیت‌شناختن حق[ّ] آزادی اندیشه و بیان برای مخالفان و پیروان ادیان، هدف عمدہ‌ای که از مناظرات کلامی خود دنبال می‌کند، اثبات حقانیت و برتری اسلام و عقیده برحق[ّ] تشیع با اتکا به منطق و برهان است (صدقوق، [بی‌تا]، ج. ۱، ص. ۱۷۹-۱۹۰)؛ چنان‌که طبق گزارش اباصلت هروی، در مناظرة حضرت با پیروان

مذاهب و مکاتب مختلف، از یهود و نصاری و مجوس و صابئین و سایر فرق و نحل، هر کس در برابر آن حضرت، ایراد شبه و ابراز عقیده می‌نمود، با پاسخ منطقی و دندان‌شکن روپرتو می‌شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹، ص ۱۷۷).

۴-۵. مدارا و «تسامح دینی»

رفق و مدارا و «تسامح دینی»، از دیگر شاخص‌های الگوی رفتاری با پیروان سایر ادیان و مذاهب در فرهنگ رضوی است. شاید به صراحت بتوان گفت یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌هایی که به دینداری و دین‌باوری در طول تاریخ چند هزار ساله تمدن مدون دینی از سوی خود دینداران و حامیان متعصب مذهبی وارد شده، همین روحیه سختگیری و عدم تسامح دینی بوده است؛ در حالی که به روایت تاریخ از زندگی و سیره انبیای سلف – به ویژه شخص رسول الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام – این بزرگ‌واران همواره از مصاديق بارز چنین روحیه و نگرشی بوده‌اند (گواهی، ۱۳۷۶، ص ۸۹).

از دیدگاه قرآن نیز انتخاب دینداری، امری اختیاری است و هیچ کس را نمی‌توان و نباید با اکراه و خشونت، به پذیرش دین وادر نمود (انسان:۳)؛ از همین رو پیامبران الهی با اوصاف «بشير» و «نذیر» و «آورنده بلاغ»، توصیف شده‌اند (سبأ: ۲۸ / یس: ۱۷). در همین راستا در سوره بقره، تعبیر رسای «لا إكراه في الدين» (بقره: ۲۵۶) را به عنوان اتمام حجت بر دینداران بیان می‌دارد که هیچ کس را در هیچ شرایطی نمی‌توان به اکراه و اضطرار، به اعتراف و پذیرش دین و عقیده‌ای وادر نمود. طبیعتاً وقتی نتوان دین و آیین خاصی را به کسی تحمیل کرد، تنوع آیین‌ها و اعتقادات دینی پدید می‌آید و صاحبان ادیان مختلف، با حفظ حقوق و احترام به عقاید یکدیگر، با رواداری

و مدارا در کنار هم به سر می‌برند.^۱ بنا بر روایت قرآن، نه تنها اصل ادیان و شرایع که مناسک دینی هم متعدد و متنوع است: «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مِنْسَكًا»؛ و ما برای هر امتی، شریعت و معبدی مقرر فرمودیم.

بنابراین ادب مسلمانی حکم می‌کند پیروان دین حق، بی‌مورد به سختگیری و خشونت و انتقاد از آداب و مناسک دیگران نپردازند و بی‌دلیل تخم نفاق و دشمنی را در قلوب آنان نکارند که: «متعاق کفر و دین، بی‌مشتری نیست». به هر روی، از آیات قرآن بر می‌آید صاحبان ادیان مختلف می‌توانند با پذیرش خطوط کلی و مواضع مشترک دینی، در کنار یکدیگر زندگی همراه با مدارا و تسامح داشته باشند (ر.ک به: جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص.۱۹۶).

توجه به این نکته نیز ضروری است که تساهل و تسامح دینی با پیروان دیگر ادیان و آزادگذاشتن آنها در اندیشه و بیان، به معنای حقانیت مطلق و حتی نجات و سعادتمندی همه آنها در آخرت نیست. توضیح آنکه اگر بررسی آرا و عقاید به لحاظ آخرت باشد، فقط یکی حق است و رهرو یک راه، اهل نجات است؛ ولی اگر به لحاظ دنیا باشد، انسان‌ها با ادیان و عقاید متعدد می‌توانند در کمال رفق و مدارا و رواداری دینی با هم زندگی کنند.

امام علی بن موسی الرضا^ع، نسبت به پیروان ادیان و فرق مختلف، برخوردي مسامحه‌آمیز داشته است که یک الگوی رفتاری در آداب معاشرت با غیرمسلمانان

۱. در این زمینه نیز تعبیر رسایی در قرآن وجود دارد که اجمالاً به آنها اشاره می‌گردد: «وَ لِكُلِّ وجْهَهُ هُوَ مُوْلَيْهَا» (بقره:۱۴۸) هر کسی را راهی است به سوی حق که بدان راه یابد و به آن قبله روی آورد. «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَأْ» (مائده:۴۸) ما بر هر قومی شریعت و راهی مقرر داشتیم. «فُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ قَرْبُكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدِي سَبِيلًا» (إسراء:۸۴) تو به خلق بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد و خدای شما بر آن که هدایت یافته، از همه کس آگاه‌تر است.

به شمار می‌آید. سلوک حضرت با عالمان مذاهب و سران ادیان، به نحوی است که برخی از پیروان این فرق، به اشتباهات خود در مسائل اعتقادی و کلامی، اعتراف نموده، گاهی با امام به مباحثه می‌پرداختند و ایشان نیز با تساهل و تسامح و به دور از تعصّب و سختگیری، به بحث می‌پرداخت. امام علیه السلام نه تنها با عالمان و خواص ادیان برخورد درست و شایسته‌ای داشت، بلکه نسبت به عوام و توده این فرقه‌ها نیز با رفق و مدارا رفتار می‌نمود (ر.ک به: صدقوق، ۱۳۷۰، ص ۸۹). لطف و مدارای امام علیه السلام در رفتار با غیرمسلمانان و حتی مخالفان به حدی است که راوی می‌گوید: «به امام رضا گفتم برای پدر و مادرم دعا کنم، با اینکه حق امامان و آل پیامبر را نشناختند؟ امام فرمود: به آنها دعا کن و صدقه برای آنها بده و اگر در قید حیات هستند و حق را نمی‌شناسند، با آنها مدارا کن؛ زیرا رسول خدا فرمود: خداوند مرا با رحمت مبعوث نمود نه با درشتی و نامهربانی» (حرانی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۶).

در اهمیت رفق و مدارا با دیگر انسان‌ها در فرهنگ و سیره رضوی، همین بس که حضرت علیه السلام یکی از خصوصیات مؤمن حقیقی را مدارا کردن با مردم معرفی می‌نماید؛ چرا که به قول ایشان، خداوند عزّوجلّ، پیامبرش را به مدارای با بندگان، امر فرموده است^۱ (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۳۹).

۱. اصل روایت را حارث بن دلهاث از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «کسی مؤمن حقیقی نمی‌باشد، مگر اینکه در او سه خصلت باشد: سنت و روشی از پروردگارش، سنتی از پیامبر خدا و سنت و رفتاری از ولی خدا. اما سنت خداش را زداری است که خدای عزّوجل فرمود: دنای به غیب است و هیچ کس را به غیب مطلع نکند، مگر از پیامبران آن که رضایت داشته باشد که بداند. اما سنت پیامبرش، مدارا کردن با مردم باشد که خدای عزّوجل پیامبرش را به مدارای با مردم امر کرده است و فرموده: «خُذ العقوٰ و أعرِض بالمعروف و أعرِض عن الجاهلين»؛ و اما سنت ولی اش، صبر در توانگری و تنگدستی است...». این حدیث را شیخ صدقوق در عيون اخبار الرضا (ج ۱، ص ۲۵۶) و شیخ کلینی در اصول کافی (ج ۳، ص ۳۳۹) آورده‌اند.

این مطلب نیز خالی از توجه نیست که گاهی در لحن کلام و طرز رفتار امام رضا^ع نوعی قاطعیت و شدت عمل و برخورد صریح دیده می‌شود و گاهی ملایمت و نرمش و انعطاف و تسامح. این تفاوت، به موارد و مواضع مختلف بستگی دارد. در مورد مسائلی که جنبه اصولی دارد و با مبانی، خط فکری و عقیده حق در تضاد و تنافی باشد – نظیر مباحث توحید و امامت و... – امام^ع سازش‌ناپذیر، حساس، دقیق، بی‌گذشت و بدون چشم‌پوشی و انعطاف است؛ ولی در غیر موارد اصولی و مبنایی، آنجا که به معاشرت‌های انسانی و حقوق شخصی و زمینه‌های رفتاری و هنجاری مربوط می‌شود، اهل عفو و گذشت و چشم‌پوشی و تسامح است؛ بنابراین ملاک و راز تفاوت در برخوردهای گوناگون حضرت را باید در این مسئله جست‌وجو کرد.

۵-۵. همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان

از دیگر خصوصیات الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان در فرهنگ رضوی، همزیستی مسالمت‌آمیز با آنهاست. از مطالعه احادیث و روایات چنین برمی‌آید که زندگی آرام و صلح‌آمیز و ایجاد رابطه محبت و مودت با بیگانگان، امری است که مسلمانان در روابط خود می‌توانند از آن الگو و بهره گیرند؛ چه اینکه اسلام، آیین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشر، ضدیت ندارد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۷۴). امام رضا^ع در روابط خود با پیروان دیگر ادیان و مکاتب، به این نکته توجه دارد که با ایجاد فضای آرام و مودت‌آمیز، می‌تواند با مخالفان عقیدتی خود، به گفت‌و‌گو و جدال احسن بپردازد.

بی‌شک، گنجینه احادیث پربار پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} و ائمه اطهار^{علیهم السلام} می‌تواند مکمل این الگوی رفتاری باشد؛ چه اینکه پیشوایان اسلام، پیوسته به رعایت عدالت و انصاف، ادائی

حقوق و پرهیز از آزار و اذیت پیروان مذاهب، توصیه می‌نمودند که از باب تیمّن، به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

روایت اول: عن النبی ﷺ: «مَنْ آذِي ذِمِّيًّا فَأَنَا خَصْمُهُ وَمَنْ كُنْتُ خَصْمَهُ خَصَّمْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: هر کس به اهل ذمّه (= مسیحی، یهودی و زردشتی که در پناه اسلام است) آزار رساند، دشمن او خواهم بود و هر کس من دشمن او باشم، روز قیامت دشمنی خود را بر او آشکار خواهم کرد (حرانی، ۱۴۰، ۴، ص ۲۷۱).

روایت دوم: عن النبی ﷺ: «مَنْ ظَلَمَ مَعاهِدًا وَ كَلَّفَهُ فَوَقَ طَاعَتِهِ فَأَنَا خَصْمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»: هر کس به یکی از معاهدان اسلام، ستم روا دارد و بالاتر از طاقت او تکلیفی بر او تحمیل نماید، روز قیامت خودم دشمن او خواهم بود (نوری، ۱۴۰، ۸، ج ۱، ص ۱۶۸).

روایت سوم: عن النبی ﷺ: «مَنْ آذِي ذِمِّيًّا فَقَدْ آذانِي»: هر کس به اهل ذمّه آزار رساند، به من آزار رسانده است (صدقه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۲۵).

با همین مضمون، روایتی از امام علیؑ نقل شده است که فرمود: «مَنْ آذِي ذِمِّيًّا فَكَانَهُ آذانِي» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰، ۴، ج ۱۷، ص ۱۴۸).

روایت چهارم: عن النبی ﷺ: «تَصَدَّقُوا عَلَى أَهْلِ الْأَدِيَانِ كُلَّهَا»: به پیروان فقیر همه ادیان الهی صدقه بدھید (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۶۸).

روایت پنجم: امام علیؑ در بخشی از نامه‌اش به مالک اشتر می‌فرماید:

ای مالک! مهربان باش و رعیت را با چشمی پر عاطفه و سینه‌ای لبریز از محبت بنگر.
زنhar که چون درنده‌ای به غارت جان و مال آنان بپردازی؛ چراکه فرمانبرداران تواز
دو صنف بیرون نیستند: یا مسلمان و برادر دینی تو هستند و یا پیروان مذاهب
بیگانه‌اند که در این صورت همانند تو انسانند: اما أَخْلُكَ فِي الدِّينِ وَامَّا نَظِيرُكَ فِي
الْخَلْقِ» (نهج البلاغه، فیض الاسلام، نامه ۵۳).

جالب اینکه مالک اشتر فرمانروای ملتی شده بود که به تبعیت سیاسی حکومت اسلامی درآمده بودند، ولی اکثر آن مسیحی و اقلیت آن مسلمان بودند. برای اداره چنین کشوری، امام^ع چنان به مراعات حداکثر مصالح و منافع عمومی مردم مصر دستور می‌دهد که گویی میان آنان حتی یک مسلمان وجود ندارد.

درباره سیره عملی حضرت رضا^ع نیز باید گفت: امام با اتصال به منبع معرفتی وحی و با اتکا به سنت و سیره پیامبر و ائمه^ع – که خود الگو و نمونه عملی جامعه اسلامی به شمار می‌روند – با رفتار دوستانه و مسامحت آمیز خود با مخالفان غیرمسلمان، در واقع شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان و مذاهب را تتمیم و تکمیل نمود؛ چنان‌که این رهیافت در سیره عملی و مناظرات علمی حضرت با سران و پیروان ادیان و مکاتب عصر، کاملاً مشهود است (ر.ک به: صدوق، [بی‌تا]. ص ۱۰۲-۱۱۹).

در پایان بحث، نوشتار حاضر را با ابیاتی از اشعار منسوب به حضرت رضا^ع درباره صلح و سازش و الگوی رفتاری با مخالفان، مزین می‌کنیم. توضیح آنکه حضرت، این ابیات را بنا به درخواست مأمون – به عنوان بهترین شعری که در جذب دشمن گفته شده است، تا جایی که دشمنی او به دوستی بدل گردد – چنین قرائت فرمود:

وَ ذِي عِلْمٍ سَالَمَتُهُ فَقَهَرْتُهُ فَأَوْقَرْتُهُ مِنْيَ لِعْفٍ وَ التَّجْمُلِ
وَ مَنْ لَا يَدْافِعُ سَيِّئَاتِ عَدُوِّهِ يَاحْسَانِهِ لَمْ يَأْخُذِ الطَّولَ مِنَ عَلِ^۱

۱. به نظر می‌رسد مراد از «علٰی»، مقام بالا، همان گفتار خداوند در قرآن کریم باشد که فرموده: «إِذْعَ بِاللّٰهِ هٰي أَحْسَنَ فَإِذَا اللّٰهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةُ كَانَهُ وَلَيْ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴): همیشه بدی خلق را به بهترین عمل پاداش ده تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است، دوست و خویش تو

وَلَمْ أَرِ فِي الْأَشْيَاءِ أَسْرَعَ مَهْلَكًا لِغَمْرِ قَدِيمٍ مِنْ وَدَادٍ مُعَجَّلٍ

(صدق، [بی‌تا] ج ۲، ص ۴۱۶ / ابن شهرشوب، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۳۷۲)

ترجمه: بسا دشمن پُرکینه‌ای که با او صلح و سازش کردم و بر وی غالب آدم. پس او را زیر بار عفو و بخشش برد و بزرگوار نموده‌ام.
و هر کسی که بدی‌ها و اعمال زشت دشمن خویش را با احسان و نیکی از خود دفع نکند، به روش بزرگواران و برتران عمل نکرده است.
و برای از بین بردن کینه‌های قدیمی، هیچ چیز را از دوستی و موذت و مهربانی باشتاب، بهتر و سریع‌تر نیافتم.

نتیجه

در این پژوهش تلاش شد از اندیشه و روش رفتاری امام علی بن موسی الرضا در زمینه ارتباط با پیروان سایر ادیان، الگویی نظری و عملی در مقیاسی جهانی استنباط و ارائه گردد. رفتار و سلوک امام میان آن است که مسلمانان در جهان امروزی نباید مسکوت و منزوی باشند، بلکه وظيفة دینی آنهاست که با رعایت اخلاق و حقوق انسانی و گفت‌وگو با ادیان مختلف، به نشر افکار و اندیشه‌های اهل‌بیت و جهانی‌سازی مکتب اسلام بپردازند؛ چراکه اساساً اندیشه‌های معصومین و وجهه جهانی دارد و به لحاظ اتصال به وحی، جاودانه است. جاودانگی و جهان‌شمولی این

گردد. علی بن ابی طالب است که به ضرورت قافیه شعر، یاء افتاده است و یا مراد رسول خداست که در فتح مکه همه دشمنان خونی خود را بخشید و همگی یار او شدند (ر.ک به: مناقب آل ابی طالب؛ ج ۴، ص ۳۷۲ و علی محمد علی دخیل؛ ائمّتنا؛ ج ۲، ص ۱۳۶).

تعالیم از عملکرد ائمه اطهار^{علیهم السلام} در زمان خود و کارآیی و اثربخشی آن در عصر حاضر استنباط می‌گردد.

نتایج این پژوهش را می‌توان در چند مورد جمع‌بندی و خلاصه نمود:

۱. رویکرد امام رضا^ع به مسئله ادیان، وحدت‌گرایاست؛ یعنی حقیقت و گوهر تمام ادیان نزد ایشان، یکی است.

۲. در سیره رضوی، علاوه بر «حقانیت» دین، بر اصل «نجات‌بخشی» هویت دینی نیز تأکید شده است که این مسئله، خود رهیافتی مؤثر در حل^۳ معضله «دیگر ادیان» به شمار می‌آید.

۳. پلورالیسم یا کثرت‌گرایی دینی، به عنوان پاسخی مؤثر و راهگشا به مسئله رفتار ارتباطی با پیروان سایر ادیان، وجود و ابعاد گوناگونی دارد که عبارتند از: بُعد نجات‌شناختی، حقیقت‌شناختی، وظیفه‌شناختی یا فقهی، معرفت‌شناختی، اخلاقی، و هنجاری.

۴. در فرهنگ رضوی، کثرت‌گرایی دینی در بُعد هنجاری (رفتاری)، به معنای صلح و همزیستی، و مناسبات انسانی با پیروان سایر ادیان، مسلم و مورد پذیرش است.

۵. نکتهٔ پایانی این مقاله، تحقیق و استنباط مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی با پیروان دیگر ادیان، از سیره رضوی است که عبارتند از: ۱. التزام به اخلاق انسانی و احترام و مهروزی نسبت به آنها؛ ۲. مخاطب‌شناسی و آشنایی با زبان و متون مقدس ادیان؛ ۳. آزادی فکر و بیان و به رسمیت‌شناختن حق سؤال برای پیروان ادیان؛ ۴. مدارا و تسامح دینی؛ ۵. همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان.

منابع

۱. ابن ابی الحدید معترضی، عبدالحمید؛ *شرح نهج البلاغة*؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد؛ *الکامل فی التاریخ*؛ ج. ۵، تورنبرگ: نشر بریل، ۱۸۶۶م.
۳. ابن شهرآشوب، رشید الدین محمد بن علی؛ *مناقب آل ابی طالب*؛ قم: علامه، [بی‌تا].
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ قم: ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۵. احمدی، علی بن الحسین علی؛ *مکاتیب الرسول*؛ ج. ۳، قم: یس، ۱۳۶۳.
۶. اربلی، علی بن عیسی؛ *کشف الغمة فی معرفة الأنماط*؛ با مقدمه ابوالحسن شعرانی؛ قم: ادب الحوزه، [بی‌تا].
۷. انصاریان، حسین؛ *فرهنگ مهرورزی از دیدگاه قرآن و اهل بیت*؛ قم: دارالعرفان، ۱۳۸۵.
۸. پترسون، مایکل و دیگران؛ *عقل و اعتقاد دینی*؛ ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی؛ تهران: خیام، ۱۳۷۷.
۹. ثعالبی، عبدالملک بن محمد؛ *فقه اللغة و اسرار العربية*؛ مصر: المطبعة مصطفی البابی، ۱۳۱۸ق.
۱۰. جعفری، محمد تقی؛ *فلسفه دین*؛ تدوین عبدالله نصری؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله؛ *دین‌شناسی*؛ قم: اسراء، ۱۳۸۱.
۱۲. حسن ابراهیم، حسن؛ *تاریخ الاسلام*؛ قاهره: مکتبة النهضة المصرية، ۱۹۶۴م.
۱۳. حر عاملی، محمد بن الحسن؛ *وسائل الشیعه*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربي، ۱۳۹۱ق.
۱۴. حرّانی، ابومحمد حسن بن علی حسین بن شعبه؛ *تحف العقول عن آل الرسول*؛ ترجمه علی اکبر غفاری؛ تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۶.
۱۵. ———؛ *تحف العقول*؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۶. خمینی، روح الله؛ *صحیفه نور*؛ ج. ۹، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۷. دخیل، علی محمد علی؛ *أئمتنا*؛ بیروت: دار مکتبة الامام الرضا^{علیه السلام}، ۱۴۰۲ق.
۱۸. رفاعی، احمد فرید؛ *عصر المأمون*؛ مصر: دارالکتب المصرية، ۱۳۴۶ق.
۱۹. سید قطب؛ *فاجعه تمدن و رسالت اسلام*؛ تهران: اسلامی، ۱۳۵۱.
۲۰. شیخ صدوق؛ *عيون اخبار الرضا*؛ ترجمه محمد تقی اصفهانی؛ قم: علمیه، [بی‌تا].
۲۱. ———؛ *عيون اخبار الرضا*؛ تهران: جهان، ۱۳۷۸.

- .۲۲. ———؛ امالی؛ ترجمه محمدباقر کمره‌ای؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۰.
- .۲۳. ———؛ ثواب الاعمال؛ قم: شریف رضی، ۱۳۶۴.
- .۲۴. ———؛ التوحید؛ قم: مکتب الصدق، ۱۳۸۷ق.
- .۲۵. ———؛ من لایحضره الفقيه؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- .۲۶. صفری فروشانی، نعمت‌الله: «تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوران امام رضا^ع و ارتباط آن با ولایت‌هدی»؛ *فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی*: ش ۲۶، سال هفتم، تابستان ۱۳۸۸.
- .۲۷. طباطبایی، محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۲.
- .۲۸. ———؛ *قرآن در اسلام*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
- .۲۹. طبرسی، ابی منصور احمد بن علی؛ *الإحتجاج*؛ نجف: النعمان للطباعة و النشر، ۱۳۸۶.
- .۳۰. ———؛ *أعلام الورى بأعلام الهدى*؛ تهران: علمیه اسلامیه، ۱۳۸.
- .۳۱. طریحی، فخرالدین؛ *مجمع البحرين*؛ تهران: مطبعة حاج احمدآقا، ۱۳۲۱.
- .۳۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ *التهدیب*؛ تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۵.
- .۳۳. فرامرز قراملکی، احمد؛ استاد مطهری و کلام جدید؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
- .۳۴. فضل‌الله، محمدجواد؛ *تحلیلی از زندگانی امام رضا^ع*؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- .۳۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ *قاموس اللغة*؛ ترجمه محمدیحیی بن محمد شفیع قزوینی، تهران: رازی، ۱۳۷۳.
- .۳۶. قمی، شیخ عباس؛ *منتهی الآمال*؛ قم: فراروی، ۱۳۸۱.
- .۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *أصول کافی*؛ تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۳.
- .۳۸. کریمی‌نیا، محمدمهردی؛ *همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل*؛ قم: مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.
- .۳۹. کیوان‌فر، شهرام؛ *اعلامیه جهانی حقوق بشر*؛ تهران: کاروان، ۱۳۸۲.
- .۴۰. گواهی، عبدالرحیم؛ *درآمدی بر تاریخ ادیان در قرآن*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
- .۴۱. لکھاوزن، محمد؛ *اسلام و کثرت گرایی دینی*؛ ترجمه نرجس جواندل؛ تهران: طه، [بی‌تا].
- .۴۲. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الأنوار*؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- .۴۳. محمدزاده، مرضیه؛ *علی بن موسی^ع امام رضا^ع*؛ قم: دلیل ما، ۱۳۸۵.

- .۴۴. مدیر شانه‌چی، کاظم؛ چهل حدیث حضرت رضا^{علیه السلام}: مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- .۴۵. مرتضوی، سید محمد؛ نهضت کلامی در عصر امام رضا؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
- .۴۶. مصباح یزدی، محمد تقی؛ «گفت و گو (در باب گفت و گوی ادیان و تمدن‌ها)؛ کتاب نقد؛ ش ۹ و ۱۰، ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸.
- .۴۷. مصطفوی، حسن؛ **التحقيق في الكلمات القرآن**؛ ج ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- .۴۸. مطهری، مرتضی؛ **مجموعه آثار**؛ ج ۲، تهران و قم: صدر، ۱۳۸۳.
- .۴۹. _____؛ **مجموعه آثار**؛ ج ۳، تهران و قم: صدر، ۱۳۶۸.
- .۵۰. _____؛ **پیرامون انقلاب اسلامی**؛ تهران و قم: صدر، ۱۳۷۰.
- .۵۱. مفید، محمد بن نعمان؛ ارشاد؛ ترجمه سیده‌اشام رسولی محلاتی؛ تهران: اسلامیه، [بی‌تا].
- .۵۲. موسوی‌زاده، سید محمد؛ **نگرش اسلام به سایر ادیان و ملل**؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
- .۵۳. میرداداشی، سید‌مهدی؛ **حدود ارتباط با کافران**؛ قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.
- .۵۴. نوری، میرزا حسین؛ **مستدرک الوسائل**؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸.
- .۵۵. نهج البلاغه؛ ترجمه فیض‌الاسلام؛ تهران: فیض‌الاسلام، ۱۳۲۶.
- .۵۶. هانتینگتون، ساموئل؛ **نظریه برخورد تمدن‌ها**؛ ترجمه و ویراسته مجتبی امیری وحید؛ تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- .۵۷. هیک، جان؛ **فلسفه دین**؛ ترجمه بهرام راد؛ تهران: بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۲.
- .۵۸. هیوم، رابرт؛ **ادیان زنده جهان**؛ ترجمه عبدالرحیم گواهی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
- 59 Hich, John; **Disputed questions in theology and philosophy of religion**; New Haven: Yale University, 1993
- 60 _____ ; **An Interpretation of religion**: Human Response to the Transcendent; New Haven and londan: Yale University press,1989
- 61 _____ ; **God and The univers of faiths**; Londan: Macmillan,1977
- 62 Richards, Glyn; **Towards a Theology of Religuon**,1991